

DEAR MY HORROR

AOISEKAI

Uploader

Luffy

Translator

Allen

Editor

Zahra & Reverie

Director

Medusa



.....کمکم
کن.



.....



ام، یعنی.... من همون
کسی ام که امروز صبح
دیدم تون.





نمی‌دونم
یادتون میاد یا نه، ولی
همون...

دیروز
موقع تمیز کردن حموم
باهاتون صحبت کرده
بودم...

یاد
یادداشتی که امروز صبح
تو جیم گذاشتین افتادم
پس...



آه،
همین... فقط
اینکه...

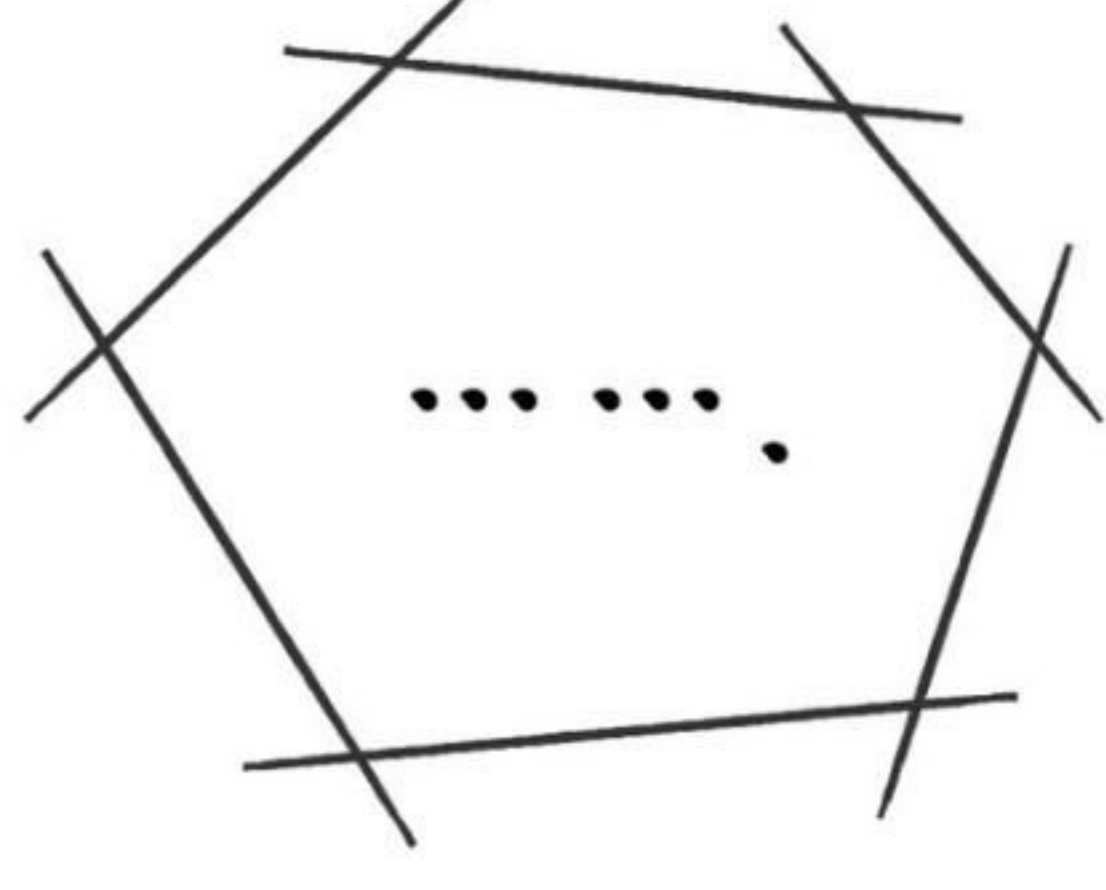
با چندتا از بچه‌های
همون مدرسه دعوا
شد.

تقصیر من نبود،
اونا دعوا رو شروع
کردن...



خب منظورم
اینه که...!

...میشہ لطفاً
کمکم کنی...؟



...الو؟

باشہ.





دلبيستى شيطان

~ ~ ~





خیلی خب
شماها برگردین سر
کلاس هاتون.

نه.



اون بچه گوشی
دستشه، نه؟

انگار
داشته با یکی حرف
میزده...

تا وقتی که
پدر و مادر اون دانش آموز
بیان، همه مون همین جا
می مونیم.



باید
به هر شکلی شده
درباره‌ی این صحبت
کنیم.

می‌خواهم
بدونم چچور پدر و مادریه
که اجازه می‌ده یه اراذل قلدر
مثل اون، این‌طوری آبروی
مدرسه رو ببره.

مادر
یونگهون، لطفاً
یه لحظه صحبت
کنیم...

اگه بخوایم
تعداد رو حساب کنیم، اون
دانش‌آموز بیشتر آسیب
دیده...



چی گفتین؟



امم... شما برای
چه کاری تشریف
آوردین؟



...!



برای
مسئله‌ی مربوط به
دانش‌آموز پارک وان
اومدم.



شما سرپرست
دانش آموزین؟



بیاین صحبت
کنیم!

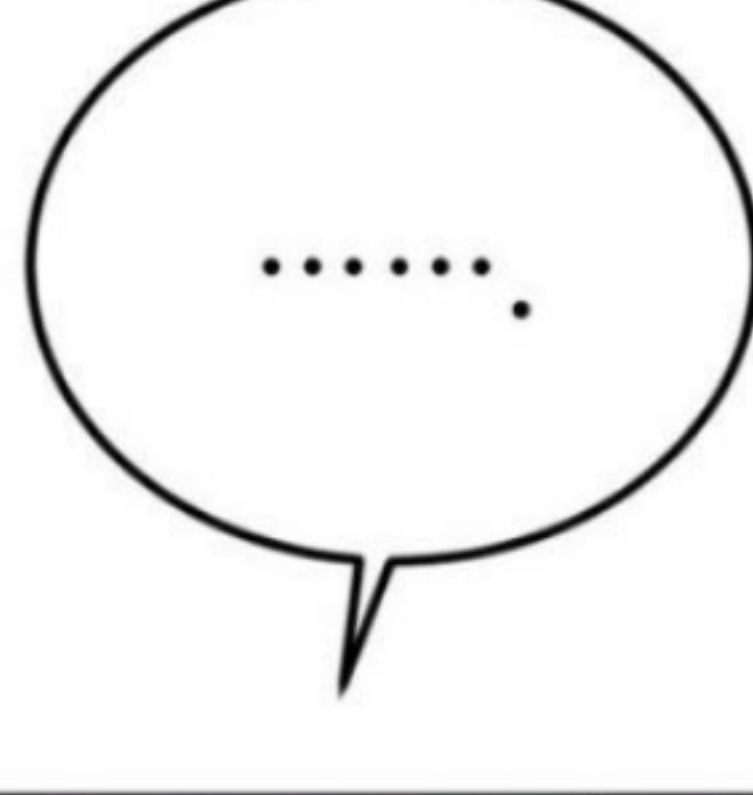
آقای پارک وان.



این مرد همونیه
که اونموقع تو عمارت
دیدمش...



انگار نگهبان اونجا
بود، آره؟



هرکاری که
پارک وان میخواد رو
انجام بده.

انگار توی اون
مدرسه یه کاسه‌ای زیر
نیم کاسه‌ست.



میشه یه
لحظه با وان صحبت
کنم؟



اوه بله...
میشه.



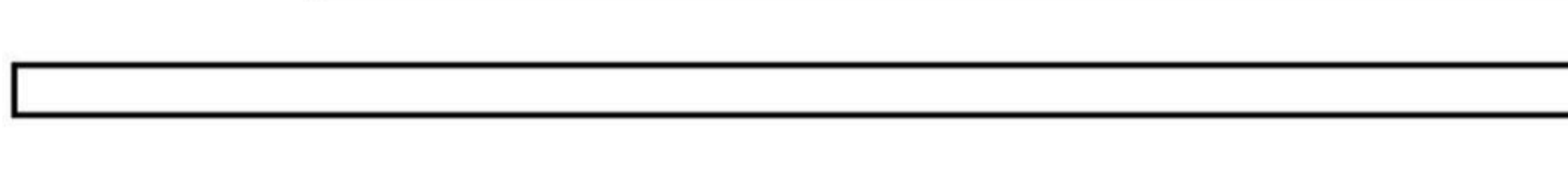
اتفاق جرات

آقای پارک وان
میشه لطفاً به صورت
خلاصه بگین موضوع
چیّه؟

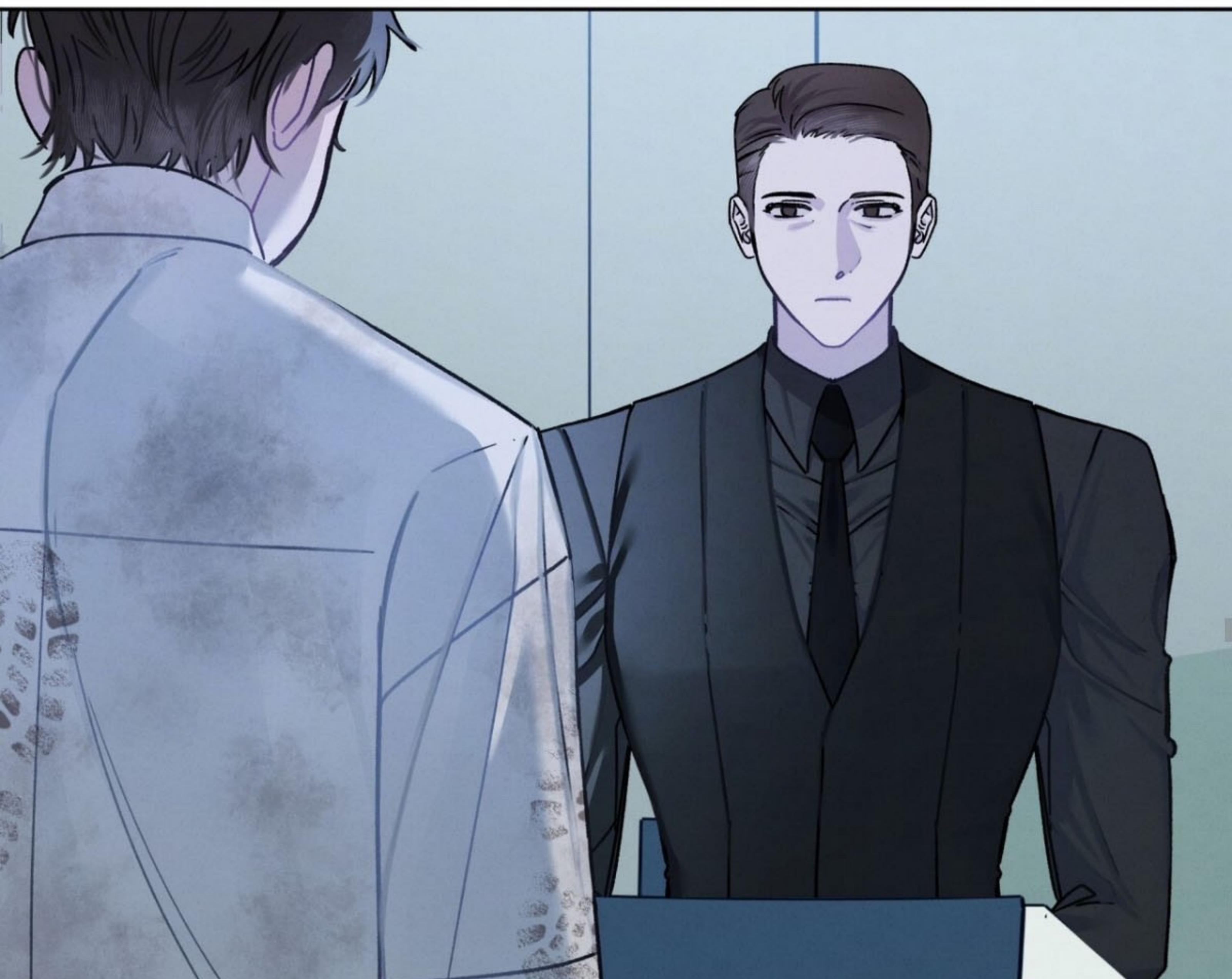




راستش...



اون بچه‌ها...





غیر از اینا جای
دیگه‌ای هم آسیب
دیده؟

یکم شکم
درد می‌کنه...



باید وضعیت
رو بررسی کنم، لطفا
نشونم بده.

چی؟

نمی‌تونم لباس
رو بزنی بالا؟



...وضعیتش
خیلی بد.



خیلی خب.

میتونی بدیش
پایین.



الان ميرم دفتر
مدیر و با اولیا صحبت
می‌کنم.

من---



فقط می‌خواهم کمیته
خوشونت مدرسه تشکیل
نش.



اگه این ماجرا
لو بره و من تنبیه
بشم...



کمیته‌ی خشونت
مدرسه؟

اون جا
که چهارتا آدم نشستند،
ولی پارک وان فقط یه
نفره، نه؟

می‌دونم، ولی رفتار
اون پسرها...



باشه، تلاشمو
می‌کنم تا جای ممکن
درستش کنم.



این دیگه چه
وضعیتییه؟

چیکار می کنی؟
نمی خوای بری؟ تو
آدم نمیشی؟



اخ دردم گرفت
مامان!

دفتر دبیران



...انقدر راحت

حل شد؟



دیگه آرام باش،
چیزی که نگرانشی
اتفاق نمیشه.



بعد از کلاس
بیا عمارت.







نمی تونستم
دست خالی بیام، برای همین
از جلوی مدرسه یکم میوه
خریدم...



اوه...

یعنی
همه چی خوب پیش
میره؟

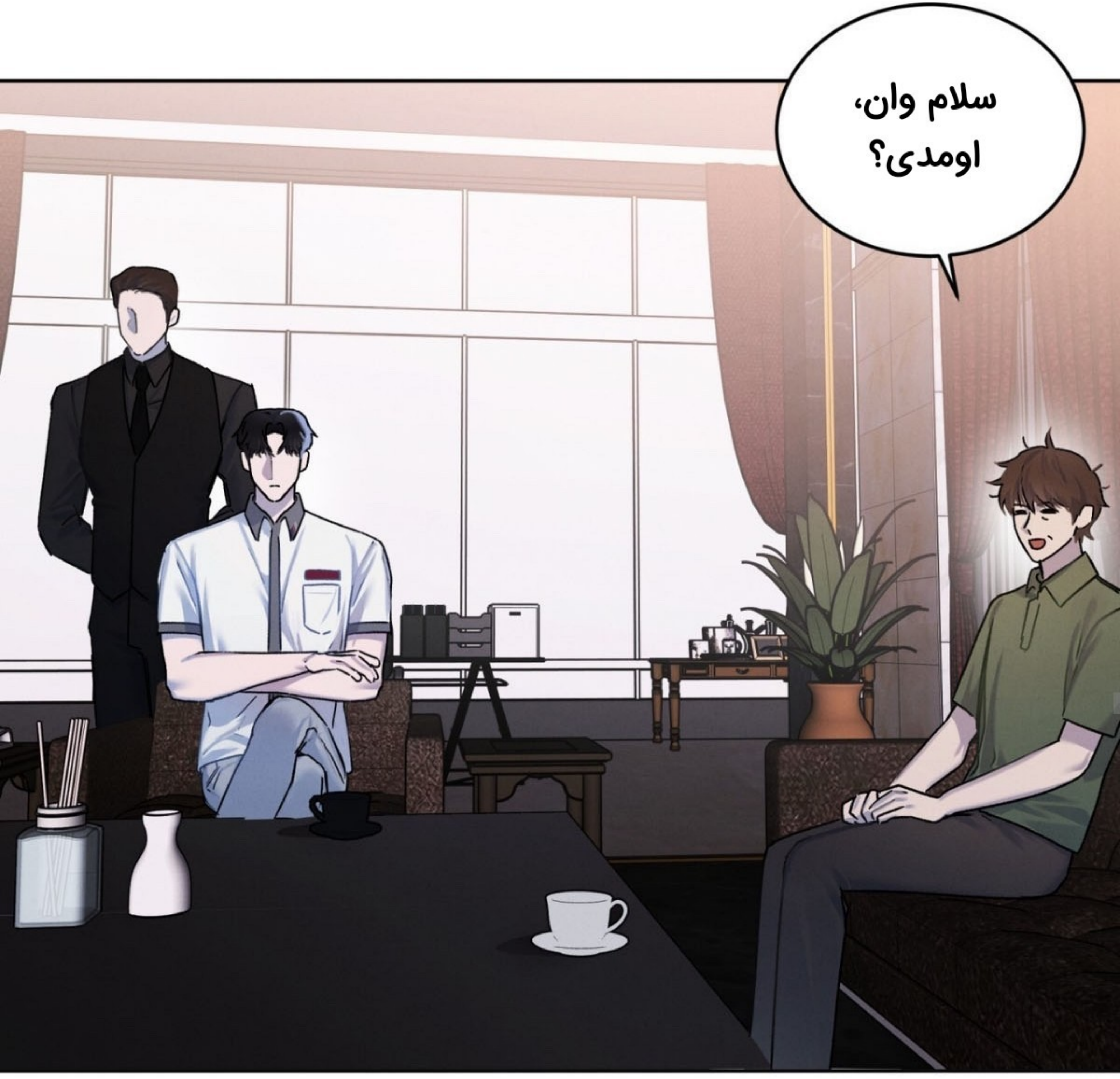
سلام!

بابت
امروز واقعاً
ممنونم...



سببهای خوشمزه

10kg



سلام وان،
اومدی؟



بابا!؟

50년 전통
마늘



اینجا چیکار
می کنی؟

ABAJU

باید
ازشون تشکر کنی
وان.





بس کن بابا!



یه خبر خوب
دیگه هم براتون
دارم.

اون بچه‌ی نابالغ
با چشمای آبی داره با کسی
که ده‌ها سال ازش بزرگ‌تره، با
لحن غیررسمی حرف
می‌زنه...!



چی شده؟

آقا
گفته می‌خواد تو رو به
مدرسه‌ی خودش منتقل
کنه.



زود باش زود!
تو هم از آقا تشکر
کن!

دیگه
کی پیش میاد که به
همچین مدرسه‌ای
بری؟!

یه لحظه صبر
کن بینم،

آزمون آزمایشی
همین نزدیکی‌هاست،
انتقال مدرسه دیگه

چی...!

از کجا فهمیدی
که من سیب دوست
دارم؟



با این
سیب‌هایی که خریدی
میشه پای سیب درست
کرد.



این سیب
یکی از سیب‌های درجه یک
تو فروشگاهه، اگه برای پای
سیب ازش استفاده بشه
حیف میشه.



...داری به من
می‌خندی؟



مدرسه‌تو عوض
کن.





واسه چی می‌خوای
تو اون مدرسه‌ی داغون و
مزخرف بمونی؟



...چی؟

ادامه دارد...

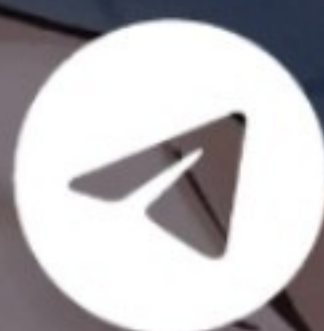
سلام

این فایلی که هم اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی روبیکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام رسان های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/aoisekai)